

بررسی تطبیقی کیفیت زندگی شهری خانواده های ساکن در سکونتگاه های غیررسمی و رسمی شهر مشهد

سیمین فروغ زاده^۱

سید مهدی پنج تنی^۲

چکیده

هدف تحقیق بررسی مقایسه ای کیفیت زندگی ادراک شده در خانواده های ساکن در سکونتگاه های غیررسمی با ساکنان محدوده های رسمی شهر مشهد است که با اتکا به نظریه «لی» در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی به عنوان پایه های توسعه پایدار شهری مورد بررسی قرار گرفت. تحقیق در سطح توصیف و به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی و پایایی آن بدست آمده بود، انجام شد. داده ها از نمونه ای به حجم ۶۳۰ نفر از سرپرستان خانواده در مناطق دوازده گانه شهر مشهد که به شیوه خوشه ای انتخاب شده بودند، به صورت حضوری جمع آوری شد. یافته ها نشان می دهد میانگین کل شاخص «کیفیت زندگی» برابر با ۲.۹۰ در بازه یک تا چهار است اما تفاوت هایی بین دو گروه مورد بررسی وجود دارد. با توجه به میزان میانگین به دست آمده، ساکنان سکونتگاه های رسمی (میانگین ۳)، در مقایسه با ساکنان سکونتگاه های غیررسمی (میانگین ۲.۷۴) از وضعیت عمومی زندگی خود رضایت بیشتری داشته و در نتیجه ارزیابی مثبت تری از کیفیت زندگی شان در ابعاد سه گانه مورد مطالعه (اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی) دارند. مقایسه شاخص کلی بعد اجتماعی (وضعیت همبستگی اجتماعی، احساس تعلق مکانی، مشارکت غیررسمی در محله، احساس بهزیستی خانوادگی، احساس امنیت در محله) حاکی از یکسان بودن ارزیابی هر دو گروه پاسخگویان است و تنها در مولفه مشارکت غیررسمی، ساکنان محدوده های غیررسمی ارزیابی مثبت تری از کیفیت زندگی خود داشتند. نتایج حاکی از وجود رابطه میان درجه توسعه یافتگی مناطق شهری با رضایت افراد از کیفیت زندگی شان دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، خانواده، سکونتگاه رسمی و غیررسمی، مشهد

۱. مربی پژوهش، عضو هیات علمی گروه توسعه پایدار شهری و منطقه ای جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) s. foroughzade@jdm. ac. ir
۲. دانشجوی دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد و عضو پژوهشی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران.

مقدمه

یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار، مسئله کیفیت زندگی و تأمین رضایت همه افراد جامعه است و به همین دلیل در سراسر جهان از موضوعات مهم و مورد توجه محققان و برنامه ریزان بوده و از عناصر مطرح و کلیدی در سیاستگذاری است. اهمیت کیفیت زندگی تاحدی است که به عنوان جانشینی برای رفاه مادی مطرح شده و به اصلی ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است (اسچمیت^۱، ۲۰۰۲، به نقل از سالاری سردری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴). طبق این رویکرد تأمین زندگی همراه با رفاه حق همه شهروندان است اما امروزه بخش عمده ای از جمعیت به دلیل ناتوانی اسکان در بخش رسمی شهر، به حاشیه یا بخش غیررسمی شهر پناه برده اند. بی تردید در این قسمت از شهر زیرساخت های لازم شهری فراهم نبوده و ساکنان این مناطق از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار نیستند. سکونتگاه های غیر رسمی با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیر رسمی و شیوه ای از شهرنشینی ناپایدار مواجه اند که این مساله خود بستر مناسبی برای بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی است. به گونه ای که امروزه به زعم صاحب نظران، اسکان غیر رسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه های سنگین برای حل مشکلات، تهدید جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می گردد (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳) و به همین دلیل در حال حاضر سکونتگاه های غیررسمی به عنوان یکی از بزرگترین چالش ها در کشورهای در حال توسعه مطرح است (منشاوی^۲، ۲۰۱۶: ۱۳).

حاشیه نشینی یا آنچه به عنوان سکونتگاه غیررسمی از آن یاد می شود خاص کشور ایران نیست، تلاش های مربوط به حل آن هم سابقه طولانی دارد و اگر بر روی یک پیوستار در نظر گرفته شود از نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی و پراکنده کردن این اجتماعات تا توانمندسازی ابر و حتی ارائه خدمات و امکاناتی همچون مسکن و شرایط اولیه زندگی به آنان بوده است. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه به دلیل تمرکز گرایی شدید در شهرها و بویژه در مراکز استان ها و آن هم سطوح خاصی از شهرها نوعی بی عدالتی و کیفیت های ناهمسان زندگی را برای شهروندان بوجود آورده است. کلان شهر مشهد هم از این قاعده مستثنی نیست. موقعیت شهری، ملی و منطقه ای و عملکرد اقتصادی، سیاسی و مذهبی آن نوعی تمرکز جمعیتی را باعث گردیده و با رشد لجام گسیخته با نوعی نابرابریهای انسانی و کالبدی، مشکلات زیست محیطی، تمرکز شدید امکانات در نقاط خاصی از شهر، ناسازگاریهای کاربریها، نارسایی خدمات و امکانات روبرو بوده و این خود به نابرابری کیفیت زندگی در این شهر انجامیده است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). مشهد به عنوان دومین کلان شهر مذهبی جهان، از حیث جمعیت و وسعت پس از تهران دومین شهر ایران است که همانند بسیاری از جوامع روبه توسعه با چالش اسکان غیررسمی مواجهه

است. بطوریکه حدود یک سوم جمعیت این شهر در هشت پهنه سکوتی در بافت حاشیه ای سکونت دارند (ترکمن نیا و همکاران: ۱۳۹۷: ۳۴). طبق آخرین اطلاعات منتشر شده در حاشیه شهر مشهد نزدیک به یک میلیون نفر در سه هزار و نهصد هکتار سکونتگاه غیررسمی و بافت ناکارآمد ساکن هستند. از سوی دیگر میانگین کشوری حاشیه‌نشینی کشور نسبت به شهر ۳۰ درصد است که در مشهد این رقم به ۴۲ درصد می‌رسد (همشه‌ری آنلاین، ۱۴۰۰/۴/۱۵). گستردگی سکونتگاه‌های غیر رسمی در مشهد و از سوی دیگر تنوع ابعاد و مولفه‌های کیفیت زندگی در سنجش‌های متفاوت به گونه ای است که ارائه نتایج بدست آمده در تحقیقات پیشین به عنوان شاهدی بر وضعیت نامساعد زیرساخت‌ها و امکانات اولیه زندگی و به طور کلی وضعیت نامناسب کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی مشهد، در این نوشتار امکان پذیر نیست. همانگونه که اشاره شد در این زمینه تنها می‌توان به وسعت و جمعیت بالای این محدوده از شهر اشاره کرد ضمن آنکه منابع مختلف حکایت از آن دارد که مساله ساکنان در سکونتگاه غیر رسمی مشهد صرفاً مسکن نامناسب نیست. آنها در دسترسی و برخورداری از امکانات اولیه زندگی دچار مشکل هستند و در بسیاری از امور زیرساختی (اعم از تامین آب شرب مناسب و بهداشتی، امنیت، ساخت و سازهای غیرمجاز، امکانات درمانی، آموزشی و فرهنگی، تراکم زیاد جمعیت) با استانداردهای معمول فاصله زیادی دارند (همان منبع). بی تردید اسکان غیر رسمی به سبب بازتولید بسیاری از مشکلات اجتماعی، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری است و این درحالی است که کیفیت زندگی شهری تلاشی برای ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چارچوب پایداری است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶). با عنایت به آنچه گفته شد، از منظر اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی نقش پر اهمیتی در شهر دارند و به سبب پیامدهای گوناگونی که حتی می‌توانند بر بخش رسمی شهر هم وارد کنند، نوعی تهدید محسوب می‌شوند. از منظر فردی هم پذیرفتنی است که محرومیت نسبی افراد برخاسته از کیفیت زندگی آنهاست و موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و چه بسا واکنش‌های پرخاشجویانه ای را نیز برانگیزد.

به همین دلیل باید کیفیت زندگی و ارتقای این بخش شهر مورد توجه برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گیرد. برنامه ریزان با اطلاع از کیفیت زندگی شهری در همه نقاط شهر می‌توانند چشم انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت شهر و به طور خاص سکونتگاه‌های غیر رسمی داشته باشند چراکه این نقاط برای تصمیم گیرندگان شهر نقش مهمی در برنامه ریزیهای امنیتی، کاهش جرم و جنایات داشته و به همین دلیل بهبود کیفیت زندگی و ارتقای آن مهم است. علیرغم اهمیت سنجش این موضوع، معمولاً این سکونتگاه‌ها از طرف دولت‌ها با این استدلال که این قسمت از شهر جز بخش رسمی شهر نیستند و تصرف غیر قانونی است، مورد غفلت واقع شده اند و در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران نسبت به آن بی توجهی شده و از سوی دیگر برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر مرجع و سازمان مشخصی برای ارائه و پایش مسائل، محورها، شاخص‌ها و

اندازه گیری سطوح رضایت و کیفیت زندگی شهروندان و مسائل و مشکلات مرتبط با آن وجود نداشته و ندارد (عباسی قوزلو، ۱۳۹۲، به نقل از نظم فر و محمدی، ۱۳۹۶: ۷۰). حال با در نظر داشتن تفسیرهای متفاوت در سنجش کیفیت زندگی، سطوح و پیچیدگی و چند بعدی بودن این مفهوم به لحاظ نظری و همه محدودیت های فعلی که از حیث اجرا در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی وجود دارد، این تحقیق به روش پیمایش در شهر مشهد تلاش می کند در حد خود به مقایسه چگونگی کیفیت زندگی ساکنان بخش رسمی و غیر رسمی بپردازد و به کمک روش تطبیقی که مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت ها و تفاوت ها است، قصد دارد وجوه تشابه و تفاوت کیفیت زندگی خانواده ها را در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی در دو بخش رسمی و غیر رسمی شهر آشکار کند. با نتایج بدست آمده از بررسی کیفیت زندگی در دو بخش رسمی و غیر رسمی می توان به شناسایی نواحی مسأله دار، نارضایتی های مردم در زندگی، اولویت بندی ارائه خدمات به شهروندان و تدوین استراتژی های مدیریت و برنامه ریزی اقدام کرد و کیفیت زندگی مطلوب و بهینه ای را برای خانواده ها در سطح شهر مشهد در دو بخش رسمی و غیر رسمی پدید آورد. با بررسی صورت گرفته مشخص شد تحقیقات متعددی در زمینه کیفیت زندگی بافت حاشیه ای شهر مشهد و سایر شهرها انجام شده است اما تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی تطبیقی سطح کیفیت زندگی خانواده ها از منظر ذهنی در مناطق رسمی و غیررسمی شهر مشهد منتشر نشده است. در پژوهش حاضر مفهوم کیفیت زندگی در بعد ذهنی سنجیده شده است، لذا با توجه به دریافت ها، برداشت ها و تفسیرها و در مجموع ارزیابی های ساکنان، تصویری از کیفیت زندگی خانواده ها در نقاط رسمی و غیر رسمی شهر مشهد بیان می شود و به این سوال اصلی پاسخ داده می شود که کیفیت زندگی خانواده های ساکن در سکونتگاه های غیررسمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی با کیفیت زندگی افراد ساکن در نقاط رسمی شهر چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند؟

پیشینه پژوهش

طی سال های اخیر برخی از مهمترین تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در سطح خرد به صورت دسته بندی شده در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش های داخلی و خارجی در زمینه کیفیت زندگی

محقق/ سال	عنوان پژوهش	نتایج
چاره جو و احمدی (۱۳۹۹)	ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در محلات حاشیه نشین شهر سمنان	با بررسی چهار محله حاشیه نشین سمنان به این نتیجه رسیدند که بعد اقتصادی (رضایت از درآمد، رضایت از پس انداز، میزان دارایی، میزان دارایی خانواده مثل مقدار زمین و ملک و اتومبیل، امنیت شغلی اعم از بیمه بازنشستگی و بیمه شغلی) کمترین وزن و بعد محیطی (وضعیت محله از جنبه جایگاه دفن زباله، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، برخورداری از شبکه

محقق / سال	عنوان پژوهش	نتایج
فتاحی و صادقی (۱۳۹۷)	بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت زندگی حاشیه نشینی، مطالعه موردی: محله خاک سفید	فاصلاب، امنیت در برابر مخاطرات طبیعی مثل سیل و زلزله و طوفان، کیفیت هوا اعم از گرد و خاک و بوی نامطبوع) بیشترین وزن را از دیدگاه کارشناسان و متخصصان شهری بدست آورد
قاسمی و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی کیفیت زندگی حاشیه نشینان شهر مشهد مطالعه موردی: دهرود. همت آباد و گرجی سفلی	نتایج بر روی سرپرست های خانوار این چهارروستا نشان داد بجز میانگین سه مولفه تعامل اجتماعی، امنیت عمومی و دسترسی به خدمات که تا حدی بالاتر از میانه نظری است، میانگین سایر مولفه ها پایین و کمتر از میانه نظری است. بین مولفه های مورد بررسی مولفه دارایی و ثروت کمتر از سایر مولفه ها ارزیابی شده است.
زیاری و رفیعی مهر (۱۳۹۶)	ارزیابی کیفیت زندگی شهری بافت حاشیه نشین مورد شناسی: محله حصار همدان	کیفیت زندگی در محله حصار از سطح متوسط نسبتا پایین تر است و بین تمامی مولفه های تاثیر گذار بر کیفیت زندگی، مولفه اقتصادی تاثیر گذارترین مولفه است
پور احمد و همکاران (۱۳۹۶)	سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی، مطالعه موردی: اسلام آباد تهران	بیشترین نارضایتی از عوامل اقتصادی و امنیتی است. عوامل کالبدی و خدمات و دسترسی بیشترین تاثیر ذهنی را بر کیفیت زندگی می گذارد
حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۶)	ابعاد کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه های خودروی شهری (مطالعه موردی: محله اسلام آباد کلاتشهر تهران)	کیفیت زندگی در این منطقه در سطح پایینی قرار دارد. عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، همچنین خدمات و دسترسی به ترتیب دارای تاثیر بیشتر و شاخص امنیت دارای تاثیر کمتری بر میزان رضایتمندی از زندگی در سکونتگاه غیررسمی اسلام آباد است.
حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۵)	ارزیابی شاخصهای کیفیت زندگی در سکونتگاهها و بافتهای حاشیه نشین و اسکان غیر رسمی (نصیر آباد و سلطان آباد در استان تهران)	اکثریت از وضعیت و شرایط زیستی در این مناطق رضایت نداشتند و میانگین رضایت در دو جامعه پایین تر از سطح متوسطه بوده و نیز عدم رضایت از کیفیت حمل و نقل و کیفیت منازل مسکونی و خیابان ها و پیاده روها و نیز نبود شرایط مناسب کاری و تفریحی و رفاه از مهمترین مشکلات سکونتگاه های غیر رسمی در سلطان آباد و نصیر آباد بود. در مجموع سطح رضایت در نصیر آباد اندکی بهتر از سلطان آباد بود و این امر ناشی از محیط آرام و جمعیت کم نسبت به سلطان آباد است اما همچنان نبود روشنایی و دید مناسب در شب و نا امنی از مشکلات این منطقه است.
ایراندوست و پاکزاد (۱۳۹۴)	ارزیابی دگرگونی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی در دهه گذشته، مطالعه موردی: دولت آباد کرمانشاه	این بررسی در دو مقطع زمانی در بازه ۸ ساله به این نتیجه دست یافت که عوامل مؤثر بر زندگی تهیدستان، از جمله شاخصهای جمعیتی، اشتغال و بیمه، دسترسی، مسکن، تسهیلات، دسترسی به منابع مالی رسمی تامین مسکن و کسب و کار روند روبه بهبودی داشته اند. در مقابل، با توجه به یکپارچگی سکونتگاه با شهر و گسترش فرهنگ شهری، برخی شاخصهای وابسته به سرمایه اجتماعی با افت روبرو بوده است.
نجفی (۱۳۹۴)	ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی شهرها، مورد شناسی: محله اسلام آباد شهر زنجان	با بررسی دو بعد عینی و ذهنی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، مذهبی، کالبدی، اقتصادی نشان داد کیفیت زندگی در این محله وضعیت نامطلوبی دارد و این اختلاف در شاخص های اقتصادی و کالبدی چشمگیر است.
بهمنی و همکاران (۱۳۹۴)	تحلیل تطبیقی مناطق اسکان غیررسمی از نظر شاخص های کیفیت زندگی شهری، نمونه موردی: اسلام آباد و بیسیم زنجان	سطح کیفیت زندگی شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی در منطقه اسلام آباد بالاتر از منطقه بیسیم بوده و ساکنان سکونتگاه غیررسمی اسلام آباد، رضایت بیشتری نسبت به ساکنان منطقه بیسیم داشته اند. با افزایش سطح نارضایتی های اقتصادی، عدم رضایت از ابعاد دیگر نیز بیشتر شده است.
خراسانی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی شاخص های کیفیت زندگی مؤثر بر میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه های غیررسمی، مطالعه موردی: محله فرحزاد تهران فرحزاد شمالی	رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی در حد متوسط است. رابطه معناداری بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت محیط، ایمنی محیط، فضاهای گذران اوقات، سازماندهی کالبدی و فضایی ساختمان، تراکم ساختمانی با رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی وجود دارد. کیفیت زندگی به طور مستقیم از متغیرهای مشارکت اجتماعی،

محقق / سال	عنوان پژوهش	نتایج
		بهداشت محیطی، سیمای کالبدی، تراکم ساختمانی و وجود فضاهای گذران اوقات فراغت تاثیر می پذیرد.
ماندلینی ^۱ و همکاران (۲۰۲۱)	بررسی شرایط زندگی شهرک غیررسمی در کلان شهر دوربان، آفریقای جنوبی	نتایج نشان دهنده سطح پایین تحصیلات، تعداد زیاد زنان سرپرست خانوار، نرخ بالای بیکاری، منابع نامناسب درآمد، امنیت ضعیف و برنامه های مداخله ضعیف دولت بود. نتایج تجزیه و تحلیل استنباطی هم نشان داد که عواملی مانند دسترسی به آب، دسترسی به توالت، وضعیت امنیت غذایی، وضعیت تحصیلی و دسترسی به سلامتی عوامل ضروری برای بهبود شرایط زندگی ساکنان بودند.
ووکه کورو ^۲ (۲۰۱۷)	رضایت از ویژگی های کیفیت محله در محله پورت هارکورت نیجریه	با روش پیمایش رضایت ساکنان را از ویژگی های کیفیت محله در ناحیه پورت هارکورت در نیجریه در زمینه های ویژگی های محله، ویژگی های بهداشتی و کیفیت خانه مسکونی بررسی کرد و نشان داد درصد بالایی از ساکنان از کیفیت محله مانند تامین برق، تامین آب و جمع آوری و دفع زباله و ایمنی جانی و مالی ناراضی هستند و شاخص رضایت کلی از محله در حد متوسط است. مطالعه به این نتیجه رسید که در ارائه زیرساخت ها و خدمات عمومی، ادراکات و ترجیحات ذینفعان / جمعیت هدف باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد تا رضایت کاربران به دست آید. مطالعه توصیه می کند که دولت باید از منابع مالی موجود در بانک ملی توسعه شهری، کمک های اژانس های توسعه بین المللی و از طریق ترتیبات مشارکت خصوصی - عمومی برای تامین و نگهداری کافی زیرساخت ها و امکانات رفاهی و آموزش ساکنان در مورد مدیریت مناسب محیطی استفاده کند.
دارکی و ویساگی ^۳ (۲۰۱۳)	بررسی کیفیت زندگی در یک سکونتگاه غیررسمی در آفریقای جنوبی (تشوانی)	در حالی که تعداد کمی از پاسخگویان به دولت برای بهبود رفاه فقرا اعتبار می دهند و رضایت دارند، بسیاری از پاسخگویان از مقامات دولتی ناراضی هستند. این ناراضی بیش از همه ناشی از نرخ بالای بیکاری است. علاوه بر این پاسخگویان به ترتیب از خدمات جمع آوری زباله، دسترسی به برق و مسکن ناراضی بودند.
گاوندراجو ^۴ (۲۰۱۲)	کیفیت زندگی در محله های فقیرنشین شهر واراناسی: یک مطالعه تطبیقی	این مطالعه کیفیت زندگی دوپست زن زاغه نشین را در زمینه های مختلف جسمی، روانی، میزان وابستگی، روابط اجتماعی، حوزه های اعتقادی مذهبی و شخصی (محیطی و معنوی)، در چهار محله فقیر نشین شهر بررسی کرد. نتایج نشان داد نمرات در همه حوزه های فوق کمتر از حد متوسط بود و نمرات بدست آمده در حوزه روابط محیطی و اجتماعی بسیار پایین بود. نتیجه حاکی از کیفیت بسیار ضعیف زندگی زنان زاغه نشین به دلیل قرار گرفتن در غفلت، رنج و نادانی یا بیگانگی است.
زینال ^۵ (۲۰۱۲)	بررسی رابطه کیفیت زندگی و کیفیت مسکن در مالزی	شرایط مسکن (ویژگی های کالبدی، نوع مسکن، مالکیت مسکن، شرایط محیطی، دسترسی به امکانات) با کیفیت زندگی شهروندان رابطه کم اما معنادار و مثبتی دارد.
لی ^۶ (۲۰۰۸)	بررسی ذهنی کیفیت زندگی ساکنان شهر تایپه	وضعیت اجتماع، تعلقات محلی و ایمنی شخصی و خدمات عمومی و رضایت از محله بیشترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارد. امنیت شخصی و خدمات عمومی نقش مهمی در کیفیت زندگی شهروندان دارد.

1. Mandleni
2. Wokekoro
3. Darkey & Visagie
4. Govindaraju
5. Zainal
6. Lee

محقق / سال	عنوان پژوهش	نتایج
کیم و کاواچی (۲۰۰۷) ()	سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی در بعد سلامت در آمریکا	در ایالت‌هایی که سطح سرمایه‌ی اجتماعی بالا یا متوسط باشد، سطوح بالاتری از سلامت جسمانی و روانی در بین شهروندان مشاهده می‌شود و سطح درآمد و طبقه‌ی اجتماعی افراد، نقش مهمی در تعیین سطح سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی دارد.
مک کریا و همکاران (۲۰۰۶) ()	بررسی نقاط ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری	در جنوب شرقی کونیزلند استرالیا دریافتند رابطه ضعیفی میان شاخص‌های عینی و ذهنی وجود دارد و نمی‌توان با بهبود شاخص‌های عینی، وضعیت شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی بهتر شود.

همانگونه که مشاهده می‌شود در دو دهه اخیر بررسی کیفیت زندگی و سنجش آن در سطح خرد، به عنوان بزرگترین چالش در کشورهای در حال توسعه، موضوع پژوهش‌های فراوانی بوده است. در مرور پیشینه تجربی معلوم شد سنجش این متغیر ابتدا محدود به حوزه‌های بهداشتی و بیماری بود و به تدریج در دهه اخیر به عنوان یک مفهوم چند بعدی مطرح شد و از منظر اجتماعی دو جنبه ذهنی و عینی کیفیت زندگی مدنظر قرار گرفته است که چکیده تعدادی از این پژوهش‌های اخیر با رویکرد اجتماعی در جدول (۱)، از نظر گذشت. آنگونه که نتایج نشان می‌دهد سنجش ابعاد مختلف کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در میان تحقیقات پیشین از حیث پر رنگ بودن بعد اقتصادی به نتایج همسویی دست یافته است. مثلاً چاره جو و احمدی (۱۳۹۹)، در یکی از سکونتگاه‌های غیر رسمی سندج با بررسی نظر کارشناسان و متخصصان شهری به این نتیجه می‌رسد که بعد اقتصادی، پایین‌ترین و بعد محیطی بالاترین سطح رضایت را دارد. قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه موردی بر روی دو محله حاشیه نشین مشهد و پور احمد و همکاران (۱۳۹۶) نیز در اسلام آباد تهران دریافتند که بیشترین نارضایتی در مولفه دارایی و ثروت است. نجفی (۱۳۹۴) با بررسی در یکی از محلات زنجان هم به نتیجه مشابه تحقیقات مذکور رسید. بعد اقتصادی کیفیت زندگی در میان تحقیقاتی که به شناسایی عوامل موثر بر ارتقاء کیفیت زندگی پرداخته بودند نیز برجسته بود. چنانکه زیاری و رفیعی مهر (۱۳۹۶) در محله حصار همدان و فتاحی و صادقی (۱۳۹۷) در محله خاک سفید تهران دریافتند عامل اقتصادی موثرترین عامل است و حتی در تحقیقی که کیفیت زندگی دو منطقه حاشیه نشین شهر زنجان با هم مقایسه شده است (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۴)، مشخص شد عامل اقتصادی در صدر نارضایتی‌ها قرار دارد. با مرور بر نتایج تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه نظیر مطالعه ماندلیتی در محله دوربان آفریقای جنوبی (۲۰۲۱)، ووکه کورو در محله پورت هارکورت نیجریه (۲۰۱۷)، دارکی و

ویساکی در تشوانی آفریقای جنوبی (۲۰۱۳) و گاوینداراجو (در محلات واراناسی هند ۲۰۱۲)، لی^۱ در شهر تایپه (۲۰۰۸) هم این نتیجه بدست می آید که سطح کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی بررسی شده بسیار پایین بوده و این نارضایتی‌ها بیش از همه مربوط به زیر ساخت‌ها و خدمات عمومی و اولیه زندگی است. نظیر نبود یا عدم تامین کافی آب و برق، جمع‌آوری زباله، امنیت جانی و مالی و غذایی، امکانات رفاهی و آموزش، نداشتن مسکن و ... پیچیدگی و چند بعدی بودن و ارتباط کیفیت زندگی با سایر بخش‌های زندگی هم مهم است و از دغدغه‌های محققان بوده است.

در بررسی پیشینه معلوم شد برخی از تحقیقات به سنجش رابطه‌ای کیفیت زندگی با سایر مفاهیم پرداخته‌اند. مثل رابطه کیفیت مکان زندگی (به‌طور خاص مسکن) با کیفیت زندگی در مطالعه زینال در مالزی (۲۰۱۲) و یا سرمایه اجتماعی در رابطه با کیفیت زندگی توسط کیم و کاواچی (۲۰۰۷). اهمیت اطلاعات مربوط به سطح کیفیت زندگی و نقشی که این اطلاعات می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در سیاست‌های عمومی دولت و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور داشته باشد، باعث شده است که مولفه‌های آن در برخی از پایش‌های ملی لحاظ شود و پژوهش‌های فراوانی در دو دهه اخیر انجام شود که چکیده تعدادی از آنها از نظر گذشت. چنانکه نتایج تحقیقات پیشین هم نشان می‌دهد سکونتگاه‌های غیر رسمی در سراسر جهان مجوز قانونی ندارند و در مقایسه با نقاط رسمی عمدتاً دارای تسهیلات زیربنایی شهری ضعیف و نامطلوب هستند. در این ارتباط گواثرت^۲ هم ضمن اشاره به اینکه سکونتگاه‌های غیر رسمی پدیده‌رو به رشدی در کشورهای درحال توسعه است، اظهار می‌کند تلاش برای ترویج استاندارد زندگی در این مناطق یک چالش کلیدی برای برنامه‌ریزان شهری در بسیاری از شهرهای قرن ۲۱ است (گواثرت، ۲۰۱۷)؛ به نقل از پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). سکونتگاه‌های غیر رسمی به سبب نبود رفاه و شرایط لازم برای زندگی و وجود محرومیت‌های اجتماعی و از طرفی جمعیت بالا از جریان توسعه عقب افتاده و به کانون مشکلات و نارسایی‌ها درآمده‌اند و بخش رسمی شهر را هم نگران و متاثر از مشکلات مختلف خود کرده‌اند. در شهر مشهد درحال حاضر حدود یک سوم جمعیت در هشت پهنه سکونتی در بافت حاشیه‌ای سکونت دارند. در صورتیکه شهر را به عنوان یک موجود زنده و اداره آن را به صوت یکپارچه در نظر بگیریم. مدیریت شهری وظیفه سازماندهی کلیه امکانات و منابع را دارد و تلاش می‌کند به سمت یک شهر عادلانه و پایدار حرکت کند و با در اختیار قراردادن منابع و امکانات به همه شهروندان، پاسخگوی نیاز آنها باشد. از سوی دیگر اگر در بررسی پیشینه، تناسب تحقیقات

1. Lee

2. Gevaert

گذشته با موضوع و روش مطالعه حاضر را در نظر بگیریم، یعنی مطالعاتی که به مقایسه کیفیت زندگی ساکنان بخش رسمی و غیر رسمی متمرکز باشند، آنگاه با نبود چنین تحقیقاتی مواجه می‌شویم. چنانکه ملاحظه می‌شود مطالعات گذشته عموماً بر سنجش کیفیت زندگی حاشیه نشینان متمرکز بوده اند بدون تمرکز بر نقاط رسمی و قانونی، یا در تعدادی از تحقیقات پیشین که چکیده تعدادی از آنها ذکر شد، به بررسی کیفیت زندگی ساکنان شهر پرداخته اند بدون تمرکز بر سکونتگاه‌های غیر رسمی.

این مقاله برخلاف تحقیقات پیشین که صرفاً کیفیت زندگی را در یکی از این نقاط (رسمی یا غیر رسمی) بررسی کرده اند، با هدف مقایسه کیفیت زندگی در دو بخش رسمی و غیر رسمی شهر مشهد تدوین شده است و قصد دارد با نشان دادن وجوه تشابه و تفاوت کیفیت زندگی، از این موضوع پرده بردارد که مدیریت شهری به عنوان مسئول اصلی توزیع امکانات و خدمات برای همه ساکنین شهر، از نگاه خانواده‌ها در کدام بخش ضعیف تر عمل کرده است و نارضایتی خانواده‌ها مربوط به کدامیک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و یا کالبدی شهر است؟ لذا با عنایت به آنچه گفته شد این پژوهش با اتکا به معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریه «لی»، کیفیت زندگی خانواده‌ها را در نقاط قانونی شهر با خانواده‌های ساکن در مناطق غیررسمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی و در سطح ذهنی مورد مقایسه قرار می‌دهد و تفاوت‌ها و شکاف‌ها و یا وجوه اشتراک بین خانواده‌های ساکن در بخش رسمی و غیر رسمی شهر مشهد را نشان می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHO) کیفیت زندگی را شامل ادراک فرد از وضعیت زندگی در رابطه با فرهنگ و ارزش‌های زندگی و در رابطه با توقعات، اهداف و استانداردها و علائق آن‌ها تعریف می‌کند. در ابعاد گسترده‌تر، کیفیت زندگی در ترکیب با بهداشت روانی افراد، وضعیت روان، سطوح وابستگی‌های اجتماعی، اعتقادات شخصی و وابستگی‌های متفاوت محیطی است (نصیری، ۱۳۹۵: ۱۰۵). طبق این تعریف به وضوح روشن است که کیفیت زندگی با ارزیابی ذهنی مرتبط بوده و باید در پیوند با زمینه‌های محیطی، اجتماعی و فرهنگی دیده شود و نباید آن را با دوره‌هایی از وضعیت سلامت، سبک زندگی، رضایتمندی از زندگی، چگونگی و کیفیت روانی با بهزیستی مترادف گرفت (یاروس، ۲۰۱۰: ۱۹۲). سنجش کیفیت زندگی در مطالعات مختلف خرد و کلان انجام شده در سراسر دنیا، به دلیل گستردگی ابعاد نظری و مفهومی دارای تنوع بسیاری است اما در مرور نظری مشخص شد دو رویکرد کاملاً مجزا نسبت به آن وجود دارد. یکی دیدگاه اسکاندیناویایی که بر شرایط عینی زندگی تأکید کرده و کیفیت زندگی افراد را در گرو ارضای

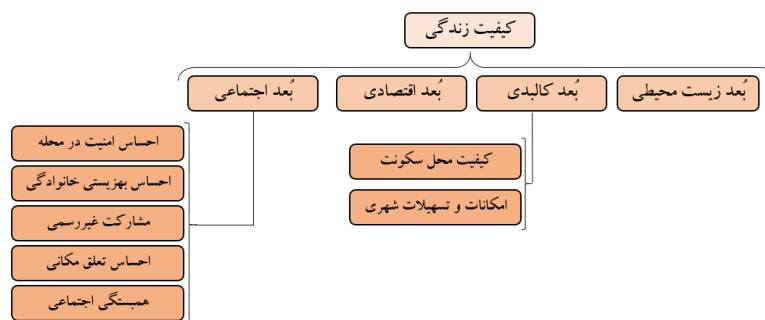
نیازهای اولیه زندگی می‌داند و دیگری دیدگاه آمریکایی کیفیت زندگی که بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی تأکید دارد (براتی و پناه شاه آبادی، ۱۳۹۰: ۳۷). با این توضیح که در بررسی شاخص‌های ذهنی، سطح رضایت افراد و گروه‌ها را ارزیابی می‌کنند که مبتنی بر گزارش شخصی افراد از ادراکشان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است. اما محاسبات عینی کیفیت زندگی بر پایه متغیرهای قابل لمس بنیان نهاده می‌شوند و برای سنجش آن از شاخص‌هایی مثل تولید ناخالص داخلی، شاخص پیشرفت اصلی، شاخص سلامت اجتماعی و توسعه انسانی استفاده می‌شود.

از آنجا که انسان موجودی است که بر اساس تصویر ذهنی خود از واقعیت، نه خود واقعیت زندگی می‌کند و رفتارش، برداشت ذهنی و درکی است که از واقعیت دارد که الزاماً با واقعیت انطباق ندارد، لذا بعد ذهنی کیفیت زندگی اهمیت دارد. این تحقیق، از میان دو رویکرد مطرح در سنجش کیفیت زندگی یعنی بعد عینی و ذهنی، با اتکا به دیدگاه آمریکایی کیفیت زندگی، به بررسی بعد ذهنی کیفیت زندگی شهری خانواده‌های ساکن در بخش رسمی و غیر رسمی شهر مشهد می‌پردازد و از میان شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی (نظیر واحد اطلاعات اکونومیست^۱، لینچ^۲، ماسلو^۳، گراند تراورس^۴ در آمریکا، انتاریوی^۵ کانادا، فلس و پری^۶، مارتین^۷ و مندوزا^۸، مایرز^۹) شاخص کیفیت زندگی «لی» را به دلیل جامعیت آن مبنای تحقیق قرار داده است. شاخص مدنظر «لی» برای سنجش کیفیت زندگی عبارتند از: مسکن، محیط اطراف، وضعیت بهداشتی، کیفیت خدمات عمومی، دسترسی به خدمات، درآمد خانوار و تعاملات اجتماعی (لی، ۲۰۰۸، ۱۲۰۱). لی معتقد بود نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه بندی مکانها، تدوین استراتژیهای مدیریت و برنامه ریزی شهری کمک کند و درک و اولویت بندی مسایل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. یافته های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژیهای قبلی و طراحی سیاست های برنامه ریزی آینده استفاده شوند (همان). «لی» بر این نکته تأکید دارد که در مطالعات کیفیت زندگی شهری دو رویکرد ذهنی و عینی وجود دارد. در رویکرد عینی، کیفیت زندگی را به عنوان مواردی آشکار و مرتبط با استانداردهای زندگی می‌داند. این موارد می‌تواند سلامت جسمی، شرایط شخصی (از جمله ثروت و شرایط زندگی)، ارتباطات اجتماعی، اقدامات شغلی و یا دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی باشد. در مقابل، رویکرد ذهنی کیفیت زندگی را مترادف شادی یا رضایت فرد در نظر می‌گیرد. به

-
- 1 . Economist
 - 3 . Lynch
 - 4 . Maslow
 - 5 . Grand Traverse
 - 6 . Ontario
 - 7 . Scales and Perry
 - 8 . Martin
 - 9 . Mendoza
 - 10 . Myers

نظر وی شاخص های ذهنی برای اهداف برنامه ریزی و سیاست گذاری نسبت به شاخص های عینی ارجح تر است و مناسب ترین شیوه برای سنجش کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست (لی، ۲۰۰۸: ۱۲۰۸). این شاخص ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه ریزان و سیاستگذاران فراهم می کنند و قابلیت اطمینان بیشتری دارند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰) از نظر وی کیفیت امری ذهنی است و مناسب ترین روش برای واکاوی کیفیت زندگی پرسش مستقیم از ادراک مردم در مورد زندگی شان می باشد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

چنانکه روشن است، تجمیع شاخص های مدنظر «لی» دربرگیرنده پایه ها و وجوه اصلی زندگی شهری (اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی) است. لذا در مطالعه حاضر ادراک فرد از میزان رضایتمندی در ابعاد چهارگانه مذکور، مشخص کننده سطح کیفیت زندگی شهری خانواده خواهد بود. کیفیت زندگی خانواده به طور حتم تحت تاثیر متغیرهای مختلف است. اما این مطالعه صرفاً قصد دارد بر پایه شاخص های ارائه شده توسط «لی»، سطح کیفیت زندگی شهری خانواده های ساکن در سکونتگاه های رسمی با سکونتگاه های غیررسمی مشهد را مورد مقایسه قرار دهد و وجوه تشابه و تفاوت و شکاف بین این دو سکونتگاه را در هر یک از ابعاد کیفیت زندگی روشن نماید. با این توضیح و با در نظر داشتن شاخص های مذکور، ابعاد اصلی در نظر گرفته شده برای بررسی مقایسه ای کیفیت زندگی در شکل (۱) نشان داده شده است. لازم به ذکر است که پژوهش در سطح توصیف بوده و فاقد فرضیه است.



شکل ۱: ابعاد مورد سنجش برای مفهوم کیفیت زندگی

روش پژوهش

معرفی جمعیت، نمونه و منطقه مورد مطالعه

این پژوهش در سطح توصیف، با رویکرد کمی و با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه سرپرستان خانوارهای ساکن در مناطق دوازده گانه شهر مشهد بوده اند که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۶۳۰ نفر بدست آمد و به روش نمونه گیری خوشه ای و متناسب با حجم جمعیت در مناطق تخصیص یافت.

حجم نمونه در کل و طبقات (با میزان خطای پنج درصد) با سطح اطمینان مذکور کفایت می کرد چراکه که در صورت کاهش خطا، حجم نمونه افزایش می یافت که با زمان و هزینه تعریف شده برای انجام تحقیق منطبق نبود. جمعیت و تخصیص حجم نمونه در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. جمعیت و تخصیص حجم نمونه به تفکیک مناطق

منطقه	بخش رسمی		بخش غیر رسمی		جمع
	جمعیت	نمونه	جمعیت	نمونه	
۱	۱۶۷۰۱۳	۳۳	۰	۰	۳۳
۲	۳۹۵۸۶۸	۷۴	۱۱۷۴۲۸	۳۲	۱۰۶
۳	۱۲۶۴۲۹	۱۸	۲۹۱۵۲۱	۶۹	۸۷
۴	۱۰۷۳۴۲	۲۵	۱۵۴۵۹۶	۳۰	۵۵
۵	۱۰۷۷۲۵	۱۳	۶۸۱۱۹	۱۲	۲۵
۶	۸۳۵۲۱	۱۳	۱۴۹۰۹۵	۳۳	۴۵
۷	۱۱۵۰۵۲	۱۶	۱۴۱۵۲۳	۴۰	۵۶
۸	۳۸۱۱۴	۴۲	۰	۰	۴۲
۹	۳۲۷۰۶۱	۶۴	۰	۰	۶۴
۱۰	۲۹۶۸۲۳	۵۹	۰	۰	۵۸
۱۱	۲۰۰۱۶۱	۳۳	۰	۰	۳۵
۱۲	۱۰۵۲۶۳	۲۴	۰	۰	۲۴
جمع	۱۲۰۷۱۰۷۲	۴۱۴	۹۲۲۲۸۲	۲۱۶	۶۳۰

مشهد با ۳۵۱ کیلومتر مربع مساحت، دومین شهر پهناور ایران پس از تهران است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مشهد با حدود سه میلیون نفر جمعیت، دومین شهر پرجمعیت ایران است. نسبت جنسی در شهر مشهد تقریباً برابر و بعد خانوار ۳.۳ نفر می باشد. از بین نزدیک به ۹۰۰ هزار واحد مسکونی در شهر مشهد، ۶۰ درصد آپارتمانی و ۴۰ درصدی غیرآپارتمانی هستند. همچنین حدود ۱۲ درصد از واحدهای مسکونی شهر مشهد کمتر از ۵۰ مترمربع و حدود ۷ درصد بیش از ۱۵۰ مترمربع مساحت دارند. حدود ۱۰ درصد از مردان در سن اشتغال، بیکار هستند که این میزان برای زنان حدود ۱۸ درصد است. میزان بی سوادی مردان بالاتر از ۶ سال حدود ۵ درصد و میزان بی سوادی زنان در این گروه سنی حدود ۱۰ درصد است. لازم به توضیح است که مبنای دسته بندی نمونه به دو گروه سکونتگاه های رسمی و غیررسمی، پژوهش انجام شده در «مدیریت آمار، تحلیل و ارزیابی عملکرد شهرداری مشهد» با عنوان «اطلاعات جمعیتی سکونتگاه های غیررسمی شهر مشهد به تفکیک مناطق، پهنه ها و محلات بر اساس سرشماری

با توجه به ویژگی ها و کاربری های متفاوت منطقه ثامن (تجاری و گردشگری)، این منطقه از فرآیند پژوهش حذف گردید.^۱

سال ۱۳۹۵ بود. در پژوهش مذکور سکونتگاه‌های غیر رسمی آن دسته از بافت‌هایی تعریف شده است که عمدتاً مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده‌اند و بدون مجوز و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری (طرح‌های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده شهرها به وجود آمده‌اند. اینگونه بافت‌ها عمدتاً فاقد سند مالکیت و از نظر ویژگی‌های کالبدی و زیست محیطی و همچنین به دلیل عدم برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های شهری شدیداً دچار کمبود هستند. طبق آخرین اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ شهر مشهد، هشت پهنه سکونتگاه‌های غیر رسمی وجود دارد که جمعیت آن به ۲۸۲.۹۲۲ نفر می‌رسد (میرزاجانی، ۱۳۹۷: ۷-۳).



شکل ۲. موقعیت مکانی، مساحت و جمعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر مشهد (معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، ۱۳۹۵)

شکل ۲ توزیع شماتیک سکونتگاه‌های غیررسمی در سطح شهر مشهد را نشان می‌دهد. مطابق با آن به طور کلی حدود ۲۸۲.۹۲۲ نفر از جمعیت شهر مشهد (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵) در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. این جمعیت در هشت پهنه توزیع گردیده‌اند که برخی از پهنه‌ها در بیش از یک منطقه شهری قرار دارند. پهنه‌های سکونتگاه‌های غیررسمی به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: پهنه جاده قدیم قوچان، پهنه خواجه ربیع، پهنه سیس‌آباد، پهنه دروی، پهنه التیمور، پهنه گلشهر و پهنه قلعه ساختمان که در ۳.۸۹۴ هکتار توزیع گردیده‌اند.

معرفی آزمون‌ها و سنجش روایی و پایایی ابزار

داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است و با توجه به نوع سوالات و هدف محقق از آزمون‌های همبستگی پیرسون، مقایسه میانگین در دو گروه مستقل و چندگروه

استفاده گردیده است. لازم به ذکر است، پیش از استفاده از آزمون‌های مورد اشاره، پیش‌فرض‌های مربوط به هر آزمون (نرمال بودن، سطح سنجش متغیرها، هدف تحقیق و ...) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. میزان ضرایب روایی و پایایی ابعاد مورد سنجش کیفیت زندگی

متغیر / مولفه	تعداد گویه	میزان روایی ۱		سنجش نرمال بودن توزیع sig
		تعداد	میزان	
همبستگی اجتماعی در	۵	۱۸	۹۰ .۰	۱۱۳ .۰
احساس تعلق مکانی	۳	۲۰	۱۰۰	۳۲۱ .۰
مشارکت غیررسمی در	۴	۱۹	۹۵ .۰	۲۱۷ .۰
احساس بهزیستی	۳	۱۷	۸۵ .۰	۳۴۶ .۰
احساس امنیت در محله	۴	۱۸	۹۰ .۰	۰۸۰ .۰
بعد اجتماعی کل	۱۹	میانگین	۹۲ .۰	۲۳۳ .۰
وضعیت امکانات و	۵	۲۰	۱۰۰	۰۹۸ .۰
وضعیت کیفی محل	۴	۱۷	۸۵ .۰	۱۴۸ .۰
بعد کالبدی کل	۹	میانگین	۹۲۵ .۰	۳۲۹ .۰
بعد اقتصادی	۴	۲۰	۱۰۰	۰۷۰ .۰
بعد زیست محیطی	۴	۲۰	۱۰۰	۱۹۱ .۰

جدول ۳ تعداد گویه‌های تشکیل دهنده هر بعد از شاخص کیفیت زندگی و ضریب آلفای بدست آمده را به تفکیک نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود میزان ضریب آلفای کرونباخ شاخص کل برابر با ۰.۸۴ بوده که نشان دهنده پایایی بالای شاخص است. برای بررسی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، هفده نفر از متخصصان و پژوهشگران اجتماعی و سه نفر از اساتید دانشگاه به تطبیق سوالات مندرج در پرسشنامه با اهداف تحقیق پرداختند و آن را تایید کردند. میانگین کلی نظرات متخصصان، بیانگر آن است که به طور کلی گویه‌های مندرج در پرسشنامه به میزان ۹۴ درصد مفهوم کیفیت زندگی شهری را می‌سنجند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مورد سنجش

سنجش کیفیت زندگی شهری با توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی این مفهوم بوده و بر جنبه ذهنی تاکید دارد. در این تحقیق منظور از کیفیت زندگی، رضایتمندی کلی از قلمروهای مختلف زندگی خانواده‌ها در شهر مشهد بود و برای سنجش آن با اتکا به

۱. برای سنجش میزان روایی محتوای ابزار؛ پرسشنامه به همراه جدول تعریف نظری و عملیاتی در اختیار بیست نفر داور (کارشناس در حوزه اجتماعی) قرار گرفت و از آنان خواسته شد که به این سوال "آیا گویه‌های مربوط به مولفه با توجه به تعریف مفهومی و عملیاتی، پوشش دهنده محتوای آن مولفه هستند یا خیر؟" پاسخ دهند. پس از احصای نظرات کارشناسان؛ میزان روایی محتوا محاسبه گردید. لازم به ذکر است در محاسبه میزان روایی، در صورت کسر تعداد داوران موافق و در مخرج تعداد کل داوران (۲۰ داور) قرار گرفت.

۲. آزمون کولموگروف اسمیرنوف

مطالعه «لی» شاخص‌های مندرج در جدول مدنظر قرار گرفته است. گویه‌ها در قالب پرسشنامه محقق ساخته تدوین شد و به شیوه مصاحبه حضوری از پاسخگو پرسیده شد. ابعاد و تعاریف نظری و عملیاتی متغیر اصلی پژوهش، همچنین گویه‌های تشکیل دهنده ابزار پژوهش در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر اصلی پژوهش

متغیر	ابعاد	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	گویه‌ها
اجتماعی	اجتماعی	بیان گر اهمیت رخداد های اجتماعی و سیاسی برای افراد جامعه بوده و از میزان مشارکت مردم در امور مختلف اجتماعی حکایت دارد	رضایتمندی از وضعیت همبستگی اجتماعی، احساس تعلق مکانی، مشارکت غیررسمی در محله، احساس بهزیستی خانوادگی، احساس امنیت در محله	خانواده شما تا چه حد با همسایه هایتان درد دل و یا مشورت می کنند؟ تا چه حد از آنها وسیله یا پول قرض می گیرید؟ تا چه اندازه برای گرفتن وام ضمانت همسایه ها را می کنید؟ تا چه اندازه با همسایه ها به خرید (مایحتاج روزانه، خرید لباس و کفش و ...) و گردش می روید؟ چقدر پیش آمده در مواقع ضروری از بچه های هم نگهداری کنید؟ تا چه اندازه خانواده تان از زندگی در این محله، احساس افتخار می کند؟ خانواده شما تا چه حد به زندگی در این محله علاقه مند است؟ تا چه اندازه تمایل به ترک این محله و ساکن شدن در محله دیگری دارید؟ چقدر پیش آمده خانواده در مجلس مولودی، عزاداری یا روضه ها در محله زندگیتان شرکت کند؟ تا چه حد در مراسم عروسی و یا ختم همسایه ها شرکت می کنید؟ تا چه اندازه عضو صندوق های قرض الحسنه خانگی (قرعه کشی) بین همسایه ها هستید؟
		(اکونومیست ^۱ ؛ به نقل از باسحا، ۱۳۹۰: ۹۹)		چقدر اهل دوره (یا هم صحبتی جلوی در خانه) با همسایه ها هستید؟ خانواده شما تا چه حد به فکر تمیزی کوچه و جمع آوری زباله در محله زندگیتان است؟ تا چه اندازه از زندگی خانوادگی تان لذت می برید؟ تا چه حد خانواده شاد و سرزنده ای دارید؟ تا چه حد از بودن در کنار خانواده احساس آرامش و راحتی می کنید؟ تا چه حد از پارک ماشین برای چند ساعت جلو منزل تان مطمئن هستید؟ تا چه حد اعضای خانواده می توانند به تنهایی و بدون احساس ترس به پارک نزدیک خانه بروند؟ تا چه حد اعضای خانواده می توانند بدون احساس ترس از موتور سوارها در محل زندگی تان پیاده روی کنند؟

پژوهش: زندگی شهری

¹ Economist Intelligence Unit (EIU)

متغیر	ابعاد	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	گویه ها
زیست محیطی		نشان دهنده میزان موفقیت نظام های مختلف بهداشتی در محیط زیست مردم (همان منبع)	رضایتمندی از وضعیت بهداشت و تمیزی کوچه، کیفیت جمع آوری زباله در محله، دسترسی به پارک و فضای سبز	چقدر از وضعیت بهداشت و تمیزی کوچه تان راضی هستید؟ چقدر سر و صداهای آزار دهنده ماشین و همسایه ها و فروشندگان سیار و ... باعث ناراضی خانواده تان شده است؟ تا چه اندازه به پارک و فضای سبز در محله تان دسترسی دارید؟
اقتصادی		تولید یا درآمد، که نشان دهنده میزان فعالیت های اقتصادی در مناطق مختلف بوده و دربرگیرنده رفاه مادی کلی محسوب می شود (همان منبع)	رضایتمندی از وضعیت درآمد ماهیانه خانواده، هزینه خوراک و پوشاک، هزینه بهداشت و درمان، هزینه تفریح و گذران اوقات	تا چه اندازه از میزان کل درآمد ماهیانه خانواده (همسر و خودتان اگر شاغل هستید) راضی هستید؟ درآمدتان چقدر کفاف هزینه های خوراک و پوشاک خانواده تان را می دهد؟ درآمدتان چقدر کفاف هزینه های امور بهداشتی و درمانی خانواده تان را می دهد؟ درآمدتان چقدر کفاف هزینه های تفریح و گذران اوقات خانواده تان را می دهد؟
کالبدی		بهره مندی از حداقل شرایط لازم و مناسب برای زندگی (همان منبع)	رضایتمندی از وضعیت امکانات و تسهیلات شهری و وضعیت کیفی محل سکونت	خانه شما تا چه حد به مراکز درمانی (اعم از بیمارستان، کلینیک و درمانگاه) نزدیک است؟ تا چه حد از نزدیک بودن ایستگاه های اتوبوس و تاکسی به خانه تان رضایت دارید؟ تا چه حد از وضعیت نور و روشنایی در خیابان و کوچه های اطراف منزل تان رضایت دارید؟ تا چه حد به مراکز خرید برای تهیه مایحتاج روزانه دسترسی دارید؟ تا چه اندازه از کیفیت آسفالت خیابان و کوچه محل زندگیتان راضی هستید؟ میزان رضایت خانواده شما از وسعت (اندازه) خانه تان چقدر است؟ چقدر از سیستم سرمایش و گرمایش خانه تان راضی هستید؟ میزان رضایت از نورگیری خانه تان چقدر است؟ تاچه حد از تعداد اتاق های موجود در منزل تان راضی هستید؟

یافته‌های پژوهش

ویژگی های اجتماعی پاسخگویان

از سرپرست خانوار به عنوان فرد مطلع، ویژگی‌هایی اجتماعی خانواده مورد سوال قرار گرفت. جدول ۵ اطلاعات بدست آمده از نمونه مورد بررسی را نشان می دهد.

جدول ۵. ویژگی‌های اجتماعی خانواده های ساکن در دو بخش رسمی و غیر رسمی

نوع سکونتگاه		متغیرهای اجتماعی	
غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی
درصد ستونی	درصد ستونی	فرآوانی	فرآوانی
۹۳.۵۰	۸۷.۶۰	۱۱۰	۲۵۲
		مالک	

وضعیت مسکن	مستاجر	۱۶۲	۱۳.۳۹	۱۰۶	۰۷.۴۹
نوع آپارتمان	آپارتمانی	۲۲۱	۳۸.۵۳	۶۸	۴۸.۳۱
	ویلايي	۱۹۳	۶۲.۴۶	۱۴۸	۵۲.۶۸
میانگین تعداد سال های زندگی در مشهد		۹.۳۵ سال		۶.۲۶ سال	
میانگین سال های زندگی در محله		۸.۱۸ سال		۵.۲۲ سال	
میانگین تعداد اتاق		۲ اتاق		۳۴.۱ سال	
میانگین هزینه های ماهانه زندگی		۰۰۰.۲۳۹.۲ تومان		۰۰۰.۴۰۸.۱ تومان	

بررسی و توصیف ویژگیهای اجتماعی نمونه مورد مطالعه نشان می دهد نسبت مالک به مستاجر در سکونتگاه های رسمی بیشتر از سکونتگاه های غیررسمی است. عمده منازل در محدوده های سکونتگاه های غیررسمی از نوع ویلايي است که این یافته را با توجه به مشاهدات اکتشافی اولیه در میدان تحقیق و تمایل ساکنان سکونتگاه های غیررسمی به این نوع سبک زندگی (ویلايي نشینی در مقابل آپارتمان نشینی) می توان تبیین نمود. میانگین تعداد سال های زندگی در شهر مشهد در میان خانواده های ساکن در سکونتگاه های غیررسمی کمتر از گروه ساکنین در سکونتگاه های رسمی است اما این میزان در رابطه با متوسط سال های زندگی در محله برعکس می شود. میانگین تعداد اتاق در سکونتگاه های غیررسمی کمتر از سکونتگاه های رسمی است که با توجه به سطح درآمد خانوارها و تمایل آنها به خرید خانه های کوچکتر (با توجه به قیمت تمام شده کمتر) دور از انتظار نیست. میانگین هزینه های ماهانه زندگی نیز در بین ساکنین سکونتگاه های غیررسمی کمتر از ساکنین سکونتگاه های رسمی است.

توصیف ابعاد و مولفه های کیفیت زندگی شهری

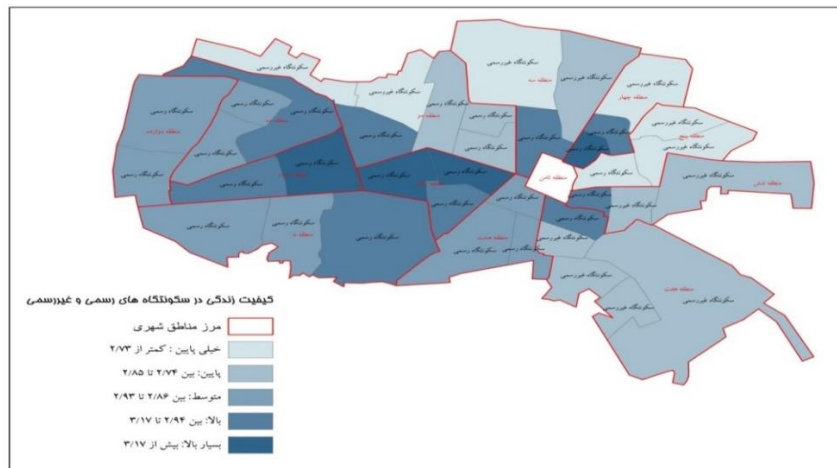
در جدول ۶ میزان میانگین کیفیت زندگی شهری به تفکیک ابعاد و در بازه یک تا چهار محاسبه شده است.

جدول ۶. توزیع میانگین کیفیت زندگی شهری و ابعاد و مولفه های آن

شاخص اصلی	ابعاد	مؤلفه	شدت			میانگین	انحراف معیار
			کم	متوسط	زیاد		
کیفیت زندگی شهری	بعد اجتماعی	همبستگی اجتماعی در محله	۴۸۲	۹۹	۴۹	۶۴.۱	۸۰.۰
			درصد	۷۶	۷۱.۱۵	۰.۷	
	مشارکت غیررسمی در محله	احساس تعلق مکانی	۳۷	۳۷۷	۲۱۵	۰۳.۳	۵۷.۰
			درصد	۵	۹۴.۵۹	۰.۳۴	
			۱۸۵	۱۱۶	۲۰.۲	۹۴.۰	
			۳۲۹	۱۸۵	۱۱۶		

				درصد	۵۲	۳۷.۲۹	۰.۱۸		
					۲۲		۴۱		
				فراوانی	۴۱	۱۵۸	۴۳۱		
				درصد	۶	۰.۲۵	۰.۶۸	۴۷.۳	۶۸.۰
					۵۱		۴۱		
				فراوانی	۶۹	۲۷۶	۲۸۳		
				درصد	۱۰	۰.۴۳	۰.۴۵	۰.۳	۷۱.۰
					۹۹		۰.۶		
				فراوانی	۳۷	۴۵۷	۱۳۶		
				درصد	۵	۰.۷۲	۰.۲۱	۶۷.۲	۴۶.۰
					۸۷		۵۹		
				فراوانی	۱۱	۱۴۶	۴۷۳		
				درصد	۰.۱	۰.۲۳	۰.۷۵	۴۳.۳	۵۳.۰
					۷۵		۰.۸		
				فراوانی	۳۴	۲۰۹	۳۸۵		
				درصد	۵	۰.۳۳	۰.۶۱	۳۶.۳	۶۵.۰
					۴۱		۳۱		
				فراوانی	۷	۱۳۱	۴۹۲		
				درصد	۰.۱	۰.۲۰	۰.۷۸	۴۰.۳	۴۹.۰
					۱۱		۱۰		
				فراوانی	۲۸۰	۲۴۳	۱۰۷		
				درصد	۰.۴۴	۰.۳۸	۰.۱۶	۳۹.۳	۸۳.۰
					۴۴		۹۸		
				فراوانی	۶۵	۲۳۰	۳۳۵		
				درصد	۰.۱۰	۰.۳۶	۰.۵۳	۱۵.۳	۵۸.۰
					۳۲		۱۷		
				فراوانی	۱۰	۳۵۲	۲۶۸		
				درصد	۰.۱	۰.۵۵	۰.۴۲	۹۰.۲	۴۰.۰
					۵۹		۵۴		

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان دهنده آن است مولفه احساس بهزیستی خانوادگی در بین مولفه‌های بُعد اجتماعی بیشترین میانگین را داشته است. بهزیستی خانوادگی اشاره به لذت بردن و احساس آرامش کردن در زمان حضور در کنار اعضای خانواده است. از سویی دیگر مولفه همبستگی اجتماعی در محله که اشاره به اعتماد، تعامل و ... با همسایگان است، کمترین میانگین را در بین مولفه‌های بُعد اجتماعی داشته است. بُعد کالبدی، بیشترین میانگین را در بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی داشته و پس از آن به ترتیب بُعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی قرار دارد.



شکل ۳. وضعیت کیفیت زندگی شهری ساکنان در سکونتگاه های رسمی و غیررسمی مشهد

وضعیت کیفیت زندگی شهری ساکنان در سکونتگاه های رسمی و غیررسمی شهر مشهد به صورت شماتیک در شکل ۳ نمایش داده شده است. در این تصویر رنگ روشن تر به معنای کیفیت زندگی پایین تر و رنگ تیره تر به معنای کیفیت زندگی بالاتر است. کمترین میزان کیفیت زندگی مربوط به مناطق کم برخوردار و محدوده های سکونتگاه غیررسمی در شهر مشهد است. از سویی دیگر بیشترین کیفیت زندگی به مناطق یک، یازده و بخش های برخوردار مناطق دوه، سه، چهار، هفت و نه اختصاص دارد.

تحلیل استنباطی یافته های تحقیق

هدف اصلی پژوهش مقایسه وضعیت کیفیت زندگی شهری خانواده ها در مناطق رسمی و غیررسمی و با توجه به سطح توسعه یافتگی شهر و رویکرد ذهنی ساکنان بوده است.

جدول ۷. توزیع میانگین ابعاد و مولفه های اصلی کیفیت زندگی شهری

به تفکیک سکونتگاه های رسمی و غیررسمی

معداداری	مقدار T	میانگین	نوع سکونتگاه	ابعاد/ مولفه ها
همبستگی اجتماعی در محله	-۴۲۲.۰	۶۳.۱	رسمی	
		۶۶.۱	غیررسمی	
احساس تعلق مکانی	۰۴۳.۰	۰۲.۳	رسمی	
		۰۳.۳	غیررسمی	
مشارکت غیررسمی در محله	-۲۱.۲	۱۴.۲	رسمی	
		۳۱.۲	غیررسمی	

۰/۵۸	۵۵.۰	۴۸.۳	رسمی	احساس بهزیستی خانوادگی
		۴۵.۳	غیررسمی	
۰/۱۹۰	۴۱.۱	۰۶.۳	رسمی	احساس امنیت در محله
		۹۸.۲	غیررسمی	
۰/۶۵۷	-۴۴.۰	۶۷.۲	رسمی	بعد اجتماعی (کل)
		۶۸.۲	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۱۵.۴	۵۰.۳	رسمی	وضعیت امکانات و تسهیلات شهری
		۳۱.۳	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۱۰.۶	۴۸.۳	رسمی	وضعیت کیفی محل سکونت
		۱۵.۳	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۲۹.۶	۴۸.۳	رسمی	بعد کالبدی (کل)
		۲۳.۳	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۰۷.۷	۵۶.۲	رسمی	بعد اقتصادی
		۰۸.۲	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۳۰.۵	۲۶.۳	رسمی	بعد زیست محیطی
		۹۵.۲	غیررسمی	
۰/۰۰۰	۹۶.۷	۳	رسمی	کیفیت زندگی کل
		۷۴.۲	غیررسمی	

در جدول ۷ میزان میانگین مولفه های اصلی در بازه یک تا چهار و به تفکیک سکونتگاه های رسمی و غیررسمی محاسبه شده است. همانگونه که مشاهده می شود در بعد اجتماعی کیفیت زندگی شهری، میزان میانگین مؤلفه مشارکت غیررسمی خانواده ها در سکونتگاه های غیررسمی بیشتر از سکونتگاه های رسمی است. تفاوت مذکور معنادار بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. همچنین در بعد کالبدی میانگین مولفه های وضعیت امکانات و تسهیلات شهری و وضعیت کیفی محل سکونت در سکونتگاه های رسمی بیشتر از سکونتگاه های غیررسمی است. این تفاوت در رابطه با سه بعد کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی و همچنین متغیر کیفیت زندگی (به صورت کلی) نیز صادق و معنادار است.

جدول ۸. سنجش همبستگی ابعاد و مولفه های اصلی کیفیت زندگی شهری با سطح توسعه یافتگی محل سکونت

درجه توسعه یافتگی			ابعاد / مؤلفه ها
تعداد پاسخگو	معناداری	همبستگی	
۶۳۰	۰/۷۳۳	۰/۰۱۴	همبستگی اجتماعی در محله
۶۲۹	۰/۳۲۲	۰/۰۴۰	احساس تعلق مکانی
۶۳۰	۰/۰۰۵	-۰/۱۱۱	مشارکت غیررسمی در محله
۶۳۰	۰/۸۳۱	۰/۰۰۹	احساس بهزیستی خانوادگی

۶۲۸	۰/۲۳۹	۰/۰۴۷	احساس امنیت در محله
۶۳۰	۰/۵۴۹	-۰/۰۲۴	بعد اجتماعی(کل)
۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	وضعیت امکانات و تسهیلات شهری
۶۲۸	۰/۰۰۰	۰/۲۰	وضعیت کیفی محل سکونت
۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰	بعد کالبدی(کل)
۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۸	بعد اقتصادی
۶۳۰	۰/۰۰۱	۰/۱۳۷	بعد زیست محیطی
۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	کیفیت زندگی کل

جدول ۸ میزان همبستگی متغیر کیفیت زندگی شهری و ابعاد و مولفه های آن را با میزان توسعه یافتگی منطقه ای نشان می دهد. نتایج نشان می دهد به طور کلی کیفیت زندگی شهری با درجه توسعه یافتگی مناطق رابطه مستقیم، متوسط و معناداری دارد (۰/۳۱۲). اما بررسی تفکیکی ابعاد تشکیل دهنده کیفیت زندگی شهری و مولفه های تشکیل دهنده آن بیانگر رابطه قوی تر بعد اقتصادی، کالبدی و وضعیت کیفیت محل سکونت با متغیر کیفیت زندگی است. نتایج آزمون های همبستگی ها در بین مولفه های تشکیل دهنده بعد اجتماعی (به غیر از مولفه مشارکت غیررسمی در محله) و متغیر کیفیت زندگی بیانگر عدم وجود همبستگی معنادار در بین این متغیرها است. تنها مولفه مشارکت غیررسمی در محله به صورت معکوس و معناداری با کیفیت زندگی همبستگی دارد.

جدول ۹. توزیع میانگین کیفیت زندگی برحسب مناطق شهری

منطقه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده	کل
تعداد	۳۳	۱۰۶	۸۷	۵۵	۲۵	۴۶	۵۶	۴۲	۶۴	۵۹	۳۳	۲۴	۶۳۰
پاسخگویان	۳/۲۷	۲/۸۴	۲/۷۷	۲/۸۲	۲/۷۱	۳/۰۴	۲/۹۰	۲/۸۹	۲/۹۶	۲/۹۸	۳/۱۹	۲/۷۶	۳/۱۹
میانگین	۰/۳۴	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۲۲	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۴۵	۰/۴۰
انحراف معیار													
مقدار F													۷/۶۶۴
معناداری													۰/۰۰۱

جدول ۹ بیانگر توزیع میانگین کیفیت زندگی در بین مناطق شهری است. با توجه به میانگین کیفیت زندگی در هر منطقه، بین مناطق مختلف از نظر سطح کیفیت زندگی شهری اختلاف معناداری وجود دارد. در همین راستا مناطقی که در آنها سکونتگاه های غیررسمی وجود ندارند (مناطق یک، هشت، نه و یازده)، نسبت به مناطقی که در آنها سکونتگاه های غیررسمی وجود دارد از سطح کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند. این نتیجه با توجه سطح معناداری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنادار بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی ساکنان یک شهر ریشه در کفایت اقتصادی، سیاسی و الزامات اجتماعی آن شهر دارد و همانگونه که بارها در مقاله حاضر اشاره شد، کیفیت زندگی شهری تلاشی به سوی ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب پایداری است. لذا هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، حرکت به سمت اصلاح و تکامل از رشد کمی، به سمت توسعه پایدار شهری بوده است. به همین دلیل کیفیت زندگی شهری یکی از مؤلفه های اساسی برای شکوفایی و ارتقای وضعیت زندگی است و در نتیجه باید آن را محور توسعه اجتماعی و اقتصادی تلقی کرد. انتظار می رود در یک جامعه توسعه یافته، ساکنان بتوانند نیازهای خود را رفع کنند و زندگی راحتی را داشته باشند. از اینرو کیفیت زندگی شهری به عنوان مفهومی کلیدی در مباحث توسعه انسانی مطرح بوده و به معنای دسترسی عادلانه شهروندان به تسهیلات و خدمات شهرنشینی و افزایش رضایت ساکنان از زندگی شهری است.

این پژوهش با هدف نشان دادن وضعیت عمومی زندگی به بررسی مقایسه ای کیفیت زندگی شهری خانواده های ساکن مناطق رسمی و غیررسمی شهر مشهد از نظر ذهنی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی پرداخت. یافته های پژوهش نشان داد در مجموع وضعیت کیفیت زندگی در بخش رسمی شهر بهتر از بخش غیر رسمی است. مقایسه میانگین کیفیت زندگی در سطح شهر مشهد نشان داد بعد کالبدی، بیشترین میانگین را در بین ابعاد کیفیت زندگی داشته و پس از آن به ترتیب بعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی قرار دارد. مقایسه کیفیت زندگی شهری خانواده ها در دو بخش رسمی و غیر رسمی نشان دهنده تفاوت در بعد اجتماعی کیفیت زندگی است. در ذیل بعد اجتماعی، مولفه های رضایتمندی از وضعیت همبستگی اجتماعی، احساس تعلق مکانی، مشارکت غیررسمی در محله، احساس بهزیستی خانوادگی و بالاخره احساس امنیت در محله مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد در این بعد، کیفیت زندگی ساکنان بخش رسمی شهر اندکی از بخش غیررسمی ضعیف تر است. در این خصوص ساکنان سکونتگاه های غیررسمی در بعد اجتماعی از مولفه «مشارکت غیررسمی» ارزیابی مثبت تری داشته اند که به نظر می رسد ناشی از ضعف روابط اجتماعی در بخش رسمی و روابط اجتماعی پر رنگ در بخش غیر رسمی شهر باشد. از آنجا که بافت های حاشیه ای عموماً مصداق «اجتماع» محسوب می شوند که یکی از ویژگی های آن شیوع و غلبه «روابط غیررسمی» است لذا این نتیجه پذیرفتنی به نظر می رسد.

وقتی توسعه پایدار شهری مطرح می شود، مفهوم کیفیت زندگی شهری موضوعیت پیدا می کند. رویکرد عادلانه نسبت به این موضوع برابری و رفاه را برای همه ساکنان در کل مناطق شهر در نظر می گیرد اما در واقعیت الزاما چنین نیست. چنانکه ذکر آن رفت در پژوهش حاضر با توجه به معیارهای تعریف شده قسمت هایی از مناطق شهر مشهد در بخش غیر رسمی قرار گرفت و وضعیت کیفیت زندگی خانواده ها در دو بخش رسمی و غیر رسمی مقایسه شد. نتایج این مطالعه موید

وجود رابطه میان سطح توسعه یافتگی مناطق شهری و ارزیابی افراد از کیفیت زندگی شان است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد کیفیت زندگی شهری با درجه توسعه یافتگی مناطق رابطه مستقیم، متوسط و معناداری دارد. به این معنی که با افزایش سطح توسعه منطقه محل سکونت، کیفیت زندگی شهری خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد. نتایج این بخش نشان داد مناطقی که در آنها سکونتگاه‌های غیررسمی وجود ندارند (مناطق یک، هشت، نه و یازده)، نسبت به مناطقی که در آنها سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارد از سطح کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند.

همانگونه که در مرور پیشینه آمد تاکنون تحقیق مشابهی که به مقایسه کیفیت زندگی خانواده‌ها در بخش رسمی و غیر رسمی پرداخته باشد، منتشر نشده است. در مرور پیشینه تجربی مشخص شد که برخی از تحقیقات به سنجش رابطه درجه توسعه یافتگی شهری و کیفیت زندگی پرداخته بودند. در این ارتباط مقایسه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات انجام شده توسط حاتمی نژاد و همکاران در نصیرآباد تهران (۱۳۹۶)، نجفی در اسلام آباد زنجان (۱۳۹۴)، ایراندوست و پاکزاد (۱۳۹۴)، بهمنی و همکاران (۱۳۹۴)، وو که کورو در نیجریه (۲۰۱۷)، دارکی و ویساگی در آفریقای جنوبی (۲۰۱۳)، زینال در مالزی (۲۰۱۲) همسو و هماهنگ است. برخورداری از کیفیت زندگی مطلوب حق همه‌ی شهروندان است. از آنجایی که آسایش و رفاه ساکنان با شاخص‌های کیفیت زندگی حاصل می‌شود، لذا کیفیت زندگی مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. به این منظور با توجه به نتایج حاصله پیشنهادهای برای بهبود وضعیت کیفیت زندگی ساکنان در بخش رسمی و غیر رسمی ارائه شده است که از نظر می‌گذرد.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به این که هدف نهایی تمامی طرح‌های توسعه شهری و اقدامات نهاد‌های عمومی و دولتی، بهبود رضایت‌مندی ساکنان و افزایش کیفیت شهری است، توجه به نیازها، ناراضی‌ها و اولویت‌های ساکنان و بالاخره پیش‌بینی راهکارهایی برای رفع مشکلات باعث خواهد شد تا کیفیت زندگی خانواده‌ها تا حد قابل قبولی بهبود یابد. با توجه به نتایج بدست آمده برخی از پیشنهادها برای ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان در دو بخش رسمی و غیر رسمی شهر مشهد به قرار زیر است.

- این مطالعه نشان داد ساکنان بخش رسمی در مقایسه با ساکنان سکونتگاه غیر رسمی نسبت به وضعیت کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی خود ذهنیت مثبت تری دارند. بنابراین به نظر می‌رسد برای ایجاد رفاه و اعتلای کیفیت زندگی در بخش غیررسمی باید اقدامات جدی و زیربنایی در زمینه‌های کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی صورت گیرد. نظیر: ترمیم و بهسازی کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی، جذابیت بصری محله با ایجاد فضای سبز، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، تنوع در فعالیت‌های شغلی، شناخت بسترها و ظرفیت‌های موجود در محلات و ساکنان، مهارت آموزی و توانمندسازی ساکنان، ارتقاء وضعیت بهداشت محیط و سیستم دفع زباله، افزایش تسهیلات و خدمات شهری و ...

• نتایج حکایت از این موضوع داشت که ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی در مقایسه با بخش رسمی شهر از وضعیت مشارکت غیررسمی در محله خود راضی تر هستند. لذا در بخش رسمی شهر باید به تقویت و رشد سرمایه اجتماعی با تاکید بر مشارکت اجتماعی ساکنان پرداخت. چنانکه صاحب‌نظران این حوزه نظیر سانتوس^۱ و مارتینز^۲ (۲۰۰۷) هم بر آن تاکید دارند، مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند پشتیبان مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلند باشد. لذا می‌توان با تاکید بر رویکرد جامع هم‌افزایی^۳ سرمایه اجتماعی، به شبکه‌سازی و گسترش شبکه روابط اجتماعی در حوزه‌های مختلف زندگی اقدام کرد. هدف شبکه می‌تواند یک مشارکت اجتماعی و یا مدنی باشد. بی‌تردید این شبکه‌ها صرفاً پیوند دهنده نبوده، بلکه متصل‌کننده هستند تا بتوانند ساکنان شهر را علیرغم تنوع قومی و خرده فرهنگ‌های متفاوت، به هم مرتبط کنند. زمانی که شبکه‌ها شکل می‌گیرد، گروه بوجود می‌آید و به طور حتم رابطه و کنش‌های غیر رسمی و وابستگی متقابل بین اعضاء اتفاق می‌افتد و در صورت تداوم فرایند رابطه و مشارکت، اعتماد پدید می‌آید که عنصری ارزشمند در زندگی جمعی است. این شبکه‌ها می‌تواند از نوع اجتماعی، مدنی، اقتصادی و... باشد و با در نظر داشتن جامعه هدف (اعم از زنان خانه‌دار، جوانان، سالمندان و...) و وجود مکانی برای آن عملی شود. بنابراین می‌تواند مواردی نظیر زیر باشد:

- طراحی پلازهای^۴ محلی برای جمع شدن شهروندان و قرار ملاقات و گفتگوی آنها در این مکان‌ها تا برای لحظاتی شهروندان از استرس‌های شهری دور شوند. این فضاهای روباز عمومی در دل شهر، صرفاً کارکردی پاتوق‌گونه برای شهروندان دارند و عمدتاً محل شکل‌گیری بخشی از خاطره‌های جمعی، گذران اوقات و تعامل ساکنان هستند

- ارتقاء کمی و کیفی فضاهای مختلف عمومی (مساجد، کتابخانه، سالن‌های مطالعه، پارک‌ها، بوستان‌های محلی و فرهنگسرا و...) و مکان‌یابی بهینه آن‌ها در سطح شهر

- از آنجا که امروزه مشکل اصلی بسیاری از افراد جامعه، مشکل اقتصادی و تامین معاش است، از جمله شبکه‌هایی که می‌تواند به خصوص برای زنان خانه‌دار جذابیت داشته باشد، شبکه‌هایی با اهداف اقتصادی و کسب منافع در بازه زمانی کوتاه و بدست آوردن منافع آنی است. زمینه شکل‌گیری این شبکه‌ها، طراحی و سازماندهی پروژه‌های تولید و کسب و کار و داشتن منافع اقتصادی مشترک و کارآفرینی است که می‌تواند شامل مهارت و حرفه‌آموزی، بازارچه خود اشتغالی، تمرکز بر مشاغل خانگی و... باشد. اجرای این شبکه‌ها منوط به نقش تسهیلگر دولت و همکاری کارآفرینان و سرمایه‌گذاری آنها خواهد بود. ضمن آنکه قوانین این مجموعه باید طوری تدوین شود که مسیرهای سوء استفاده را مسدود کند.

1. Santos
2. Martins
3. Synergy Approach
4. Plaza

• هماگونه که اشاره شد از آنجا که محرومیت نسبی برخاسته از کیفیت زندگی انسان ها است، در سطح فردی برای بررسی محرومیت نسبی می بایست انتظارات ارزشی (خواسته ها و بایدهای) افراد و توانایی های ارزشی (داشته ها و هست های) آنها را بررسی کرد. تنها از این طریق است که می توان به پاسخی منطقی و قانع کننده در مورد وضعیت محرومیت نسبی افراد دست یافت. حال از منظر اجتماعی در یک جامعه ساکنان در حالت معمول باید بتوانند نیازهای خود را رفع کنند و زندگی راحتی داشته باشند. از سوی دیگر هر منطقه دارای ظرفیت ها و توانایی های منحصر به خود است. با شناسایی قابلیت ها و استعداد های هر منطقه از حیث کالبدی، اجتماعی و اقتصادی می توان انتظارات و نیازهای ساکنان را با توانایی های هر منطقه همسو و هم جهت کرد و در جهت رفع نیازها گام برداشت و در نهایت سبب رفع محرومیت نسبی و ارتقای کیفیت زندگی شد. در این زمینه انجام تحقیقات اکتشافی و آسیب شناسی، همچنین شناسایی ظرفیت ها و تهدیدهای اقتصادی، کالبدی و اجتماعی هر منطقه و حتی محله و از طرف دیگر شناسایی نیازها، مشکلات و اولویت های ساکنان و استفاده از ظرفیت ها و مشارکت های مردمی داوطلبانه، همچنین سازمان های غیر دولتی یا مردم نهاد و انطباق نتایج ایندو با هم می تواند راهگشا باشد.

منابع

- ایراندوست، کیومرث؛ پاکزاد، عرفان. (۱۳۹۴). ارزیابی دگرگونی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی در دهه گذشته، مطالعه موردی: دولت آباد کرمانشاه. رفاه اجتماعی، ۱۵ (۵۷): ۱۷۷-۱۵۱.
- براتی، ناصر؛ یزدان پناه شاه آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری، نمونه موردی: شهر جدید پردیس. جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۱): ۴۹-۲۵.
- بهمنی، افشین؛ او جاقلو، مریم؛ علوی، علی؛ بهمنی، زانکو. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی مناطق اسکان غیررسمی از نظر شاخص های کیفیت زندگی شهری، نمونه موردی: اسلام آباد و بیسیم زنجان. مجله شهر پایدار، ۲ (۳): ۵۸-۴۳.
- باسخا، مهدی؛ عاقلی کهنه شهری، لطفعلی؛ مسائلی، ارشک. (۱۳۹۰). رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۷): ۹۵-۱۱۲.
- پوراحمد، احمد؛ عمو، ابراهیم؛ حاجیان، محمد؛ رئوفی، اصغر. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی، مطالعه موردی: محله اسلام آباد تهران. جغرافیای اجتماعی شهری، ۴ (۲): ۲۲-۱.
- ترکمن، سولماز؛ فتحی، سروش. (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان، مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم تحقیقات و فناوری. فصلنامه زن و جامعه، ۷ (۴): ۲۶-۱۳.

تقوایی، علی اکبر؛ رفیعیان، مجتبی؛ سلمانی، حسن. (۱۳۹۳). سنجش و بررسی کیفیت زندگی ذهنی بر اساس ادراک ساکنان، نمونه موردی: محله هاشمی در منطقه ۱۰ تهران. جغرافیا و برنامه ریزی، ۱۸ (۵۰): ۸۹-۱۰۵.

چاره جو، فرزین؛ احمدی، عاطفه. (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در محلات حاشیه نشین شهر سنج. فصلنامه علمی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۵ (۲): ۴۸۳-۴۹۸.

حاتمی نژاد، حسین؛ حیدری، اصغر؛ نجفی، اسماعیل؛ عباسی، فلاح، وحید. (۱۳۹۶). ابعاد کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه های خودروی شهری (مطالعه موردی: محله اسلام آباد کلانشهر تهران). دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهر، ۴ (۲): ۲۳-۴۵.

حاتمی نژاد، حسین؛ صفدری مولان، امین؛ محمودی، مریم. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در سکونتگاه ها و بافت های حاشیه نشین و اسکان غیر رسمی (نصیر آباد و سلطان آباد در استان تهران). تهران: چهارمین کنگره علمی پژوهشی افق های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران. برگزار کننده: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و انجمن علمی تخصص عمران و معماری.

حاتمی نژاد، حسین؛ محمدی کاظم آبادی، لیلا. (۱۳۹۶). سنجش رضایتمندی از شاخص های کیفیت زندگی در شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر جدید مهاجران. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷ (۲۳): ۵۳-۶۸.

خراسانی مقدم، صبا؛ یزدانفر، سیدعباس؛ حسینی، سیدباقر. (۱۳۹۴). بررسی شاخص های کیفیت زندگی مؤثر بر میزان رضایت مندی ساکنان سکونتگاه های غیررسمی، مطالعه موردی: محله فرحزاد تهران فرحزاد شمالی. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۴۷ (۱): ۹۷-۱۱۷.

خادم الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین. (۱۳۸۹). سنجش کیفیت زندگی در نواحی شهری مطالعه موردی: شهرنورآباد استان لرستان. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱ (۳): ۴۵-۶۰.

روزنامه همشهری آنلاین، مشهد رتبه سوم حاشیه نشینی در کشور، ۱۴۰۰/۴/۱۵
<https://b2n.ir/j60877>,

زیاری، کرامت اله؛ رفیعی مهر، حسین. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت زندگی شهری بافت حاشیه نشین، مورد شناسی: محله حصار همدان. جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای، ۷: ۲۱۴-۱۹۹.

سالاری سردری، فرضعلی؛ حیدر مقدم، مصطفی؛ سبحانی، نوبخت؛ عارفی، اعظم. (۱۳۹۳). بررسی مولفه های کیفیت زندگی در فضاها های شهری، مطالعه موردی: شهر لامرد. دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، ۱ (۲): ۵۳-۶۲.

فتاحی، مهکامه؛ صادقی، حانیه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت زندگی حاشیه نشینی مطالعه موردی: محله خاک سفید. تهران: کنفرانس بین المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه

شهری در ایران. برگزار کننده: موسسه آموزش عالی صنعتی مراغه، دانشگاه صنعتی مراغه با همکاری دانشگاه تبریز و دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

قاسمی، مریم؛ نسیمی، زهرا؛ عاشوری، گرو، الهام؛ امیدوار، نشاط. (۱۳۹۶). بررسی کیفیت زندگی حاشیه نشینان شهر مشهد، مطالعه موردی: روستاهای دهرود، همت آبادگرچی سفلی. مشهد: اولین کنفرانس بین المللی برنامه ریزی و مدیریت شهری. برگزار کننده: دانشگاه فردوسی مشهد، مرکز پژوهش های شواری اسلامی شهر مشهد.

میرزاجانی، مسعود. (۱۳۹۷). اطلاعات جمعیتی سکونتگاه های غیر رسمی مشهد به تفکیک مناطق، پهنه ها و محلات بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، شهرداری مشهد. معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی. مدیریت آمار، تحلیل و ارزیابی عملکرد.

محمدی، جمال؛ زنگنه، مهدی؛ عبدلی، اصغر. (۱۳۸۹). سنجش شاخص های کیفیت زندگی از نظر شهروندان شهر مشهد. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۲(۳): ۹۷-۱۱۷.

نقدی، اسداله؛ بابایی، حیدر. (۱۳۹۴). مروری بر شاخص ها و مولفه های کیفیت زندگی شهری، مورد مطالعه: شهر همدان. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۷(۲۳): ۱۴-۲.

نجفی، سعید؛ احدنژاد، محسن؛ دویران، اسماعیل. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی شهرها، مورد شناسی: محله اسلام آباد شهر زنجان. مجله جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای، ۵(۱۶): ۹۰-۷۵.

نظم فر، حسین؛ محمدی، چنور. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: منطقه دو شهر اردبیل. فصلنامه آمایش محیط، ۱۰(۳۶): ۹۲-۶۹.

نصیری، فخرالسادات؛ عبدالملکی، شوبو. (۱۳۹۵). تبیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده با کیفیت زندگی با نقش میانجی استرس ادراک شده در زنان سرپرست خانوار شهر سنندج. جامعه شناسی کاربردی، ۲۷(۴): ۹۹-۱۱۶.

- Darkey. D, Visagie. J (2013). The more things change the more they remain the same: A study on the quality of life in an informal township in Tshwane. *Habitat International*, 39 :302-309
- Govindaraju. B. M (2012). Quality of Life of Slum Women: A Case Study of Mangalore City, *Journal of economics and sustainable development*, 3(1):1-8
- Kim. D, Kawachi. I (2007). U. S. State Level Social capital and Health related Quality of Life: multilevel evidence of main, mediating, and modifying effects, *Annals of Epidemiology*, 17(4):258-269
- Lee. Y. J (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei, *Building and Environment*, 43(7): 1205-1215

- McCrea. R , Shyy. T, Stimson. R (2006). What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?, *Applied Research in Quality of Life*, 1: 79-96
- Mandleni. B, Olusola Omotayo. A, Ikponmwosa Ighodaro. D, Babatunde Agbola. S (2021). Analysis of the Living Conditions at eZakheleni Informal Settlement of Durban: Implications for Community Revitalization in South Africa, *Sustainability*,13(4):1-16
- Menshawy. A,shafik. S,khedr. F(2016). Affordable Housing as a Method for Informal Settlements Sustainable Upgrading, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* , 223 : 126 – 133.
- Santos, L. and Martins, I(2007). Monitoring Urban Quality of Life: The Porto experience. *Social Indicators Research*,80(2): 411 – 425
- Wokekoro. E(2017). Satisfaction with Neighborhood Quality Attributes in Port Harcourt Municipality, *International Journal of Science and Research (IJSR)*, 6 (3):382-390
- Yaruss. J. S (2010). Assessing Quality of Life in Stuttering Treatment Outcomes Research, *Journal of Fluency Disorders*,35(3):190-202
- Zainal, R. , Kaur, G. , Khalili, J. M. , Ahmad, A (2012). Housing Conditions and Quality of Life of the Urban Poor in Malaysia, *Social and Behavioral Sciences*, 50: 827-838

A comparative study of perceived quality of urban life in families living in formal and informal settlements of Mashhad*Simin Foroghzadeh¹**Seyed Mahdi Panjtani²***Abstract**

The objective of this study was to compare the perceived quality of urban life in families living in informal settlements with residents of formal areas of Mashhad. To accomplish this, the theory introduced by "Lee" on four dimensions of economic, social, environmental and physical components of quality of life as the basis of sustainable urban development was used. , a sample of 630 heads of households in the twelve districts of Mashhad were interviewed using a structured questionnaire. The results show that the overall average of the quality of life index is 2.90 in the range of one to four, but there are differences between the two groups. The residents of formal settlements compared to the residents of informal settlements have a more positive assessment of the quality of their urban life in the three dimensions studied condition (Mean 3 versus 2.74 respectively) Comparison of general indicators of social dimension (social solidarity, sense of place attachment, informal participation in the neighborhood affairs, sense of family well-being and sense of security in the neighborhood) indicates the same assessment of both groups of respondents. It is only the informal participation in which residents of informal areas have a more positive assessment of their quality of life. The results indicate that there is relationship between the degree of development of urban areas and People's perceived quality of urban life.

Keywords: quality of urban life, family, formal and informal settlement, Mashhad

-
1. Research Instructor , Academic staff of Iranian Academic Center for Education,Culture & Research (ACECR) , Khorasan Razavi Branch,Iran
 2. PhD student in Sociology of Economics and Development, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad and Research Member of Khorasan Razavi University Jihad Organization, Mashhad, Iran.